

مُصَادَقَةُ الْأَخْوَانِ

أدريس الشافعي بن بابويه مشهور بصندوق

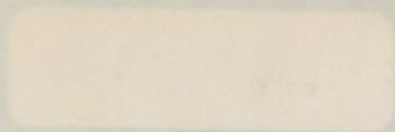
کتابخانه مجلس

R

Princeton University Library



32101 075777654



Ibn Bābūyah, Abū Ja'far Muḥammad
ibn 'Alī, al-Qummī al-Ṣādūq

مصارقة الاخوان

Muṣādāqat al-ikhwān
از



معدن نشرات قمی نور

۱۱

شیخ کبیر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن

بابویه قمی

ملقب بصندوق ره

از انتشارات کتابخانه شمس . تهران

تلفن ۲۱۳۸۳

چاپ اسلامیة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(و به ثقتی)

۱- باب اصناف الاخوان

۱- حدثنا محمد بن يحيى العطار عن احمد بن محمد بن

عيسى عن بعض اصحابنا عن يونس بن عبد الرحمن عن

ابي جعفر (الثاني) عليه السلام، قال: قام الى أمير المؤمنين

عليه السلام رجل بالبصرة فقال: يا أمير المؤمنين أخبرنا عن

الاخوان؟، فقال: الاخوان صنفان - اخوان الثقة - و

اخوان المكاشرة.

فأما اخوان الثقة فهم كالكف والجناح - والأهل -

والمال، و إذا كنت من اخيك على ثقة - فابذل له مالك

و يدك و صاف من صافاه - و عاد من عاداه و اکتتم سره -

و اعنه - و اظهر منه الحسن، و اعلم ايها السائل انهم اقل

من الكبريت الاحمر.

و اما اخوان المكاشرة فانك تصيب منهم لذك و لاتقطعن

بنام خداوند بخشنده مهربان

باب (۱) در اقسام برادران

۱ - ابو جعفر دوم (ع) فرمود: مردی در بصره نزد علی (ع) آمد و گفت یا امیرالمؤمنین ما را از برادران آگهی ده؟ فرمود: برادران دو دسته اند برادران مورد اعتماد و برادران گشاده روئی برادران معتمد بمنزله دست و بال و خانواده و مال اند پس چون در باره برادر خود بیایه اعتماد رسیدی مال و تن خویش را در راه او نثار کن و باهر که با وی دوستی بی آرایش دارد دوست خالص باش، و با دشمنش دشمنی کن، و رازش را بپوشان و یاریش کن، و نیکوئی او را آشکار ساز و بدان ای پرسنده که اینگونه برادران از گوگرد سرخ نایاب ترند. اما برادران گشاده روئی از آنان حظ خود را می بری پس دوستی از آنها مبر

7-1-65 1983

ذلك منهم ، ولا تطلبين ما وراء ذلك من ضميرهم؛ وابدل ما بذلوا لك من طلاقة الوجه - وحلاوة اللسان.

ب- باب حدود الاخوة

١- عن ابي عبدالله عليه السلام، قال : الصداقة محدودة فمن لم يكن فيه تلك الحدود- فلا تنسبه الى كمال (اولها) ان يكون سريره - وعلايته واحدة (والثانية) ان يريك زينك زينته - و شينك شينه (والثالثة) : لا يغيره مال - ولا ولد. (والرابعة) : ان لا يمسك شيئا (مما) تصل اليه مقدرته .

والخامسة لا يسلمك عن النكبات.

ج- باب الشفقة على الاخوان

١- قال : ابو عبدالله عليه السلام . ان لله في خلفه نية ، و احبها اليه اصلبها ، و ارقها على اخوانه ، واصفاها من الذنوب .

و بیش از این از ضمیر آنان مخواه و از گشاده روئی و شیرین
زبانی که باتو کردند از آنها دریغ نکن .

باب (۲) حدود برادران

۱ - ابو عبد الله (ع) فرمود: دوستی حدود دارد، و بکسی
که دارای آن حدود نباشد دوستی کامل نسبت ندهید نخست
آنکه ظاهر و باطنش با تو یکی باشد . دوم آنکه نیکی تو
را نیکی خود و بدی تو را بدی خویش انگارد . سوم اینکه
مال و فرزند او را تغییر ندهد . چهارم آنکه هر چه دستش
میرسد از تو باز ندارد .
پنجم آنکه در گرفتاریها تو را وا نگذارد .

باب (۳) مهر بانی به برادران

۱ - ابو عبد الله (ع) فرمود: خداوند در دلهای آفریدگان
خود جایدارد و آندلی را بیشتر دوست دارد که نیرومندتر
باشد و با برادران مهربان تر و از گناهان پاکتر .

د- باب اتخاذ الاخوان

١- عن ابي عبد الله عليه السلام ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا يدخل الجنة رجل ليس له فرط ، قيل : يا رسول الله و لكنا فرط ؟ قال : نعم ، - ان من فرط الرجل اخاه في الله .

هـ- باب اجتماع الاخوان في محادثتهم

١- عن ابي عبد الله عليه السلام ، قال : تجلسون - و تحدثون ؟ قال : قلت : نعم ، جعلت فداك ، (قال) قال : تلك المجالس احبها ، - فأحيوا امرنا يا فضيل ، فرحم الله من احيا امرنا يا فضيل ، من ذكرنا او ذكرنا عنده فخرج من عينه مثل جناح الذباب غفر الله ذنوبه - ولو كانت اكثر من زبد (البحر).

٢- على بن ابراهيم عن أبيه - عن الحسن (بن) على بن فضال (عن عبد الله بن مسكان) عن مسير عن ابي جعفر (الثاني) عليه السلام : قال (لى) اتخلون - و تحدثون و

باب (۴) برگزیدن برادران

پیغمبر (ص) فرمود: مردی را که پیشروی نباشد، بیبهشت نخواهد رفت، گفتند ای فرستاده خدا آیا همه ما را پیشروانی است؟ فرمود آری پیشروان مرد برادر دینی اوست.

باب (۵) گرد آمدن و گفتگوی برادران

۱ - ابو عبدالله (ع) فرمود: آیا با هم می نشینید و گفتگو میدارید؟ گفتم آری فدای تو شوم فرمود من اینگونه مجالس را دوست میدارم پس ای فضیل امر ما را احیا کنید خداوند رحمت کند کسانی را که امر ما را احیا میکنند. ای فضیل کسیکه از ما یاد کند یا نزد وی از ما یاد شود و از چشمش باندازه بر مگسی اشک بیرون آید، خداوند گناهان او را اگر چه بیشتر از کف دریاها باشد میآمرزد.

۲ - ابو جعفر دوم (ع) بمیسر فرمود: آیا در خلوت کردهم می نشینید و گفتگو میدارید و هر چه خواستید میگوئید؟

تقولون ما شئتم؟ فقلت اى والله لنخلو - وتحدث - ونقول:
 ما شئنا، فقال اما والله لو ددت انى معكم فى بعض تلك
 المواطن ، اما والله انى لاحب ربحكم و ارواحكم، و
 انكم على دين الله - و دين ملائكته . فاعينونا بورع -
 و اجتهاد.

۳ - (و) عن ابي جعفر الثانى عليه السلام قال : رحم الله
 عبداً احيا ذكرنا ، قلت : ما احياء ذكركم؟ قال التساوى -
 والتساوى عند اهل الثبات.

۴ - (على بن ابراهيم) عن النوفلى عن السكونى
 عن ابي جعفر عن آبائه عليهم السلام ان علياً عليه السلام كان
 (يقول:) (ان) لقي الأخوان - مغنم جسيم.

۵ - عن فضيل بن يسار قال (قال:) (لى) ابو جعفر
عليه السلام اتجالسون؟ قلت: نعم ، قال واهاً لتلك المجالس.

۶ - عن خيثمة ، (قال:) دخلت على ابي عبد الله عليه السلام
 لاودعه ، و انا اريد الشخوص ، فقال: ابلغ موالينا السلام
 (و اوصهم بتقوى الله العظيم) ، و اوصهم ان يعود غنيهم
 على فقيرهم ، (و قويهم على ضعيفهم) و ان يشهد حييهم

گفتم آری بخدا سوگند بخلوت می نشینیم و گفتگو میکنیم
و هر چه خواستیم میگوئیم؛ امام فرمود بخدا قسم دوست
دارم در برخی از این انجمنها با شما باشم بخدا قسم من نیرو
و حقگذاری شما را دوست میدارم، شما بر دین خدا و دین
فرشتگان خدا هستید پس بیارسائی و کوشش ما را
یاری کنید.

۳ - ابو جعفر دوم (ع) فرمود: خدا بیخشد بنده را
که نام ما را زنده بدارد گفتم زنده داشتن نام شما بچیست؟
فرمود دیدار ثابت قدمان و گفتگوی با آنان،
۴ - امیرالمؤمنین (ع) فرمود: دیدار برادران اگر
چه کم باشند غنیمتی است بزرگ.

۵ - فضیل گفت که ابو جعفر (ع) بمن فرمود آیا باهم
می نشینید؟ گفتم آری فرمود افسوس از این گونه مجالس .
۶ - خیمه گفت نزد ابی عبدالله (ع) رفتم تا در سفری که
در پیش داشتم با او وداع کنم، فرمود از دوستان هر که
را دیدی سلام برسان . و بدانها بگو که از خداوند بزرگوار
بترسند، و توانگران آنها از نیازمندانشان و نیرومند آنها
از ناتوانان عیادت کنند و زنده آنها بر جنازه مردهشان

جنازة ميتهم ، وان يتلاقوا في بيوتهم ، فان (في لقاء)
بعضهم بعضا حيوة لأمرنا ، ثم قال : رحم الله عبداً احيا امرناً
يا خيشمة ، اننا لانغنى عنهم من الله شيئاً الا بالعمل ، وان
ولايتنا لاتدرك الا بالعمل ، وان اشد الناس حسرة يوم القيامة
رجل ووصف عدلا ثم خالف الى غيره .

٧- عن السكوني عن (ابى) جعفر عن ابيه عن آباءه
(عليهم السلام) عن النبي ﷺ ، قال : ثلثة راحة
المؤمن : التسجد آخر الليل ، و لقاء الاخوان ، و الافطار
من الصيام .

٨- عن شعيب العقرقوفى - قال : سمعت ابا عبد الله
عليه السلام ، يقول لاصحابه - و انا حاضر : اتقوا الله - و كونوا
اخواناً برزة متحابين فى الله متواصلين - متراحمين ؛ تزاوروا -
و تلاقوا - و تذاكروا امرنا - و احيوه .

و- باب من اساءه الاخوان بعضهم لبعض

١ - عن على بن عقبة عن الوصافى عن ابى جعفر
عليه السلام قال : - قال (لى) يا ابا اسمعيل ، - ارأيت فيما قبلكم

حضور یابد و در خانه های خویش از هم دیدار کنند ، زیرا
در ملاقات آنها احیاء امر ماست باز فرمود خدا بپخش شده ای
که امر ما را زنده میدارد ای خیمه بدوستان ما برسان که
ما آنان را از خدای هیچ گونه بی نیاز نمی سازیم مگر آنکه
کار نیک کنند و دوستی ما جز بیارسانی بدست نیاید در روز
قیامت حسرت مندترین مردم کسی است که عدالت را بستاید سپس
از آن روی برتابد و بجز آن بگراید .

۷ - پیغمبر (ص) فرمود: سه چیز مؤمن را مایه خوشی
است : بیداری آخر شب ، و دیدار برادران ، و گشودن روزه .
۸ - شعیب عقر قوفی گوید که من حاضر بودم و
ابو عبدالله (ع) بیاران خویش میفرمود از خدای بترسید ،
و برادران نکوکار و دوستدار در راه خدا ، و دلجوی و
مهربان باشید بدیدن یکدیگر بروید و همدگر را ببینید ،
و امر ما را پیادارید و احیا کنید .

باب (۶) موااسات برادران

۱ - و صافی گوید که ابو جعفر (ع) بمن فرمود :
ای ابا اسمعیل آیا دیده که پیش شما اگر مردی ردا میپوشد

إذا كان الرجل ليس له رداء - و عند بعض اخوانه فضل رداء يطرح عليه حتى يصيب رداء (قال: قلت لا ، قال فأذا كان ليس عنده ازار يوصل بعض) اخوانه بفضل ازار حتى يصيب ازاراً؟ قلت لا ، ف ضرب بيده على فخذه (ثم) قال: ما هؤلاء باخوة.

٢- عن المفضل بن عمر قال: قال ابو عبد الله عليه السلام اختبر شيعتنا في خصلتين ، فان كانتا فيهم - و الا فاعزب ، ثم اعزب ، قلت ماهما؟ قال : المحافظة على الصلوات في مواقيتهن ، و المواساة للاخوان و ان كان الشئ قليلاً .

٣- عن اسحق بن عمار ، قال : كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فذكر مواساة الرجل لاخوانه - وما يجب لهم عليه ، فدخلني من ذلك امر عظيم عرف ذلك في وجهي ، فقال : انما ذلك - اذا قام القائم ، و جب عليهم ان يجهبوا اخوانهم و ان يقو (و) هم .

٤- و عنه - عن أبيه - عن محمد بن أبي عمير - عن خالد - السندی (رفعه) قال : ابطأ على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم رجل فقال:

بعضی از برادران ردای اضافی خویش را بدو میداد تا بی ردا
نماند؟ گفتم چنین کسی ندیده‌ام فرمود اگر آن مرد بی ازاری
میبود میشد که یکی از برادران ازار زیادی خویش را
بدو دهد؟ تا ازاری بدست آرد؟ گفتم نه، پس دست بران
خویش زده فرمود اینان برادر نیستند.

۲- ابو عبدالله (ع) بمفضل فرمود: شیعیان ما را بدو
خصلت پیامی و هر که آندو را دارا باشد با وی آمیزش
کن و اگر نه از وی بپرهیز، سپس پرسیدند آندو خصلت
چیستند؟ فرمود نماز بوقت گذاردن و مواسات با برادران
اگر چه با چیز کمی باشد.

۳- راوی گفت نزد ابی عبدالله (ع) بودم از
مواسات مرد با برادران خویش و آنچه که باید در باره
همدیگر بکنند یاد فرمود از این سخن باندازه متأثر شدم که
از قیافه من در یافت، پس فرمود این روش در زمانی خواهد
بود که قائم قیام کند آنگاه بر آنان واجب است که همدیگر
را ساز و برگ دهند و نیرومند سازند.

۴- راوی گوید مردی دیر نزد رسول خدا رفت فرمود
ترا چه شده که دیر آمده‌ای؟ گفت ای رسول خدا برهنگی

مَا أَبْطَأَكَ؟ فَقَالَ الْعَرَبِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: أَمَا كَانَ لَكَ جَارٌ لَهُ ثُوبَانِ، (ف) يَبْعِيكَ أَحَدَهُمَا، فَقَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ مَا هَذَا لَكَ بَاخٌ

٥- و عنه عن أبيه ابراهيم عن محمد بن أبي عمير -
عن الفضل بن يزيد، قال - قال: أبو عبد الله عليه السلام: انظروا ما أصبت (فعد) به على اخوانك، فإن الله يقول: ان الحسنات يذهبن السيئات.

قال أبو عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ثلثة لا تطيقها هذه الأمة: - المواساة للآخ في ماله. - و انصاف الناس من نفسه. - و ذكر الله (تعالى) على كل حال، و ليس هو سبحانه الله والحمد لله - ولا اله الا الله - والله اكبر، فقط، ولكن اذا ورد (على) ما يحرم خاف الله.

٦- عنه عن أبي عبد الله عليه السلام: قال: درهم اعطيه أخى المسلم (احب) من ان تصدق بمائة، - و اكلة يا كلها أخى المسلم احب إلى من عتق رقبة.

٧- عن أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام. قال، اجتمعوا - و تذاكروا، تحف بكم الملائكة، رحم الله من احيا امرنا.

مرا باز داشت ، فرمود مگر تو را همسایه نبود که دارای دو جامه باشد و یکی را بتو عاریت دهد ؟ گفت آری ای رسول خدا ، فرمود پس او ترا برادر نیست .

۵ - ابو عبدالله (ع) فرمود : بین چه بدست آورده‌ای پس آنرا ببرادران خویش ده ، خداوند فرمود نکوئی بدیها را می‌برد ،

رسول خدا فرمود : سه چیز است که این امت نتوانند آورد :

- ۱ - مواسات با برادر در مال خویش .
- ۲ - با مردم از جانب خود انصاف دادن
- ۳ - یاد کردن خدا در هر حال ، و این یاد آوری خدا ، گفتن سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر نیست بلکه اگر بچیزی برسند که حرام شده از خدا بترسند و از آن در گذرند .
- ۶ - ابو عبدالله (ع) فرمود : یک درهم ببرادر مسلمان خود بیخشم بهتر میدانم که صد درهم صدقه دهم و یک لقمه که برادر مسلمانم بخورد خوشتر میدانم تا برده را آزاد کنم .
- ۷ - ابو جعفر (ع) فرمود گردهم آئید و از یکدیگر یاد کنید - تا فرشتگان پیرامون شما را فرا گیرند خدا بیخشد کسی را که امر ما را احیا کند .

ز- باب حقوق الاخوان بعضهم على بعض

١- سعد بن عبدالله - عن محمد بن عيسى - عن عبيد بن زكريا المؤمن - عن داود بن حفص ، قال : كنتا عند أبي عبدالله عليه السلام اذ (١) عطس فهبنا ان نشمته - فقال : الا شمتم؟! ان من حق المؤمن على أخيه اربع خصال : اذا عطس ان يشمته ، و اذا دعا ان يجيبه ، و اذا مرض ان يعود ، - و اذا توفي (ان ي) شيع جنازته .

٢- عن ابان بن تغلب ، قال : كنت اطوف مع أبي عبد عليه السلام فعرض لي رجل من أصحابنا - قد سألني الذهاب الله معه في حاجة ، فأشار اليّ ان ادع أبا عبدالله عليه السلام و اذهب اليه ، فبينما انا اطوف اذا اشار اليّ أيضاً فرآه ابو عبدالله عليه السلام فقال يا أبان ايتاك يريد هذا؟ قلت : نعم ، قال : و من هو؟ قلت رجل من اصحابنا ، قال : هو مثل ما انت عليه؟ قلت نعم ، قال : فاذهب اليه : - فاقطع الطواف ؛ قلت و ان كان طواف الفريضة؟ قال : نعم « قال » فذهبت معه ، ثم دخلت عليه بعد ، فسألته قلت (٢) أخبرني عن حق المؤمن ، على

باب (۷) حقوق برادران در باره همدیگر

۱ - داود بن حفص گوید : نزد امام جعفر صادق (ع) بودیم و او عطسه کرد خواستیم باو دعای رحمت بگوئیم پس فرمود چرا دعا نکردید از جمله حقوق مؤمن بر برادرش چهار خصلت است که هر گاه عطسه کند بدو دعای رحمت گوید ، و اگر ویرا بخواند بپذیرد و هر گاه بیمار گردد از وی دیدار کند و اگر بمیرد جنازه او را مشایعت نماید .

۲ - ابان بن تغلب گفت با ابی عبدالله (ع) طواف می کردم مردی از یاران مادر رسید که از من خواسته بود با وی بی کاری رویم و بمن اشاره کرد که ابو عبدالله را بگذارم و با او بروم هنگامیکه بطواف میپرداختم باز هم اشارتی بمن کرد و ابو عبدالله او را دید

و فرمود ای ابان این مرد تو را میخواهد ؟ گفتم آری فرمود کیست گفتم مردیست از یاران ما ، فرمود آیا او بر همان دینی است که تو داری گفتم آری فرمود طواف را قطع و با وی برو گفتم اگر چه طواف واجب باشد فرمود آری ابان گفت با آن مرد رفتم و دوباره نزد امام آمدم و از وی پرسیدم و گفتم از حقی که مؤمن بر مؤمن دارد مرا آگاه کن فرمود ای ابان از این در گذر و نخواه و بر زبان میاور گفتم فدایت

المؤمن قال : يا أبان دعه لا تريده ، قلت جعلت فداك فلم
 ازل ارد عليه قال « يا » « ابان » تقاسمه شطر ما لك ،
 ثم نظر فرأى مادخلني ، قال : يا أبان اما تعلم ان الله قد
 ذكر المؤثرين على انفسهم ، قلت بلى ، (جعلت فداك)
 قال اذا (انت) قاسمته فلم (تاثره بعد) تؤثره اذا انت
 اعطيته من النصف الآخر .

٣- (عن) ابن اعين ، قال : كتب (بعض) اصحابنا
 يسألون أبا عبد الله عليه السلام عن اشياء - و امرني ان اسأل (هـ)
 عن حق المسلم على أخيه ، فسألته - فلم يجبني ، فلما
 جئت لأودعه - قلت سألتكم فلم تجبني ، قال : اني اخاف
 ان تكفرو (ا) ان من اشد ما افترض (الله) على خلقه ثلث
 (خصال) انصاف المؤمن من نفسه حتى لا يرضى لآخيه من
 نفسه الا ما يرضى لنفسه . و مواساة الاخ في المال . و
 ذكر الله على كل حال ليس سبحانه الله - و الحمد لله « ولا
 اله الا الله » ولكن عند ما حرم الله عليه فيدعه .

٤- عن ابي عبد الله عليه السلام قال : قلت (له) ما حق المسلم
 على المسلم ؟ قال : له سبع حقوق واجبات ما منها حق الا

شوم و مکرر پرسیدم فرمود ای ابان باید نیمی از دارائی خویش را بدو دهی آنگاه امام حالی که مرا دست داد دریافت و فرمود مگر نمیدانی که خداوند از خود گذشتگان را یاد کرد گفتم آری فرمود تو اگر مال خویشتن با او قسمت کنی تازه از خود نگذشتی و او را بر خود ترجیح ننهادی، گاهی او را بر خود برتری میدهی و از خود میگذری که از نیمه دیگر هم بوی بخشی .

۳ - ابن اعین گفت که برخی از یاران ما نامه نوشتند و از ابی عبدالله (ع) چیزهایی پرسیدند و بمن دستور دادند که از وی در باره حقی که مسلمان بر برادر دارد بپرسم ، من از او پرسیدم پاسخی نداد - چون آمدم که ویرا وداع کنم گفتم از شما پرسش کردم و پاسخی نشنیدم فرمود می ترسم کافر شوید همانا سخت ترین چیزیکه خداوند بر آفریدگان خود واجب کرده سه خصلت است : نخست اینکه از خود در باره دیگران انصاف دهد بحدیکه در حق برادر خود چیز را نپسندد مگر آنچه برای خود می پسندد . دیگر آنکه با برادر در مال برابری کند . سوم آنکه در هر حال خدا را بیاد آرد و این بگفتن سبحان الله والحمد لله ولاله الا الله نیست بلکه یاد خدا او را از ارتکاب حرام باز دارد

۴ - از ابی عبدالله پرسیدند حق مسلمان بر مسلمان چیست ؟ فرمود هفت حق است که همه بروی واجب است

هو واجب عليه حقاً ، ان ضيع منها شيئاً خرج من ولاء الله وطاعته - ولم يكن لله فيه نصيب ، قلت له جعلت فداك وما هي ؟ قال: يا معلى ، انى عليك شفيق اخاف ان تضيع ولا تحفظ- (ه) وتعلم ولا تعمل ، قلت (له) : لاقوة الا بالله .

قال : ايسر « حق » منها (ان) تحب له ما تحب لنفسك ، وتكره (له) ما تكره لنفسك . والحق الثانى : تجتنب سخطه - وتتبع رضاه و تطيع امره . والحق الثالث : ان تعينه بنفسك - ومالك - ولسانك - ويدك - ورجلك . والحق الرابع (ان) تكون عينه ودليله - ومرآته - وقميصه . والحق الخامس : لاتشبع - ويجوع ، ولا تروى - ويظماً ، ولا تلبس - ويعرى . والحق السادس : ان (لا) تكون لك امرأة - وليس لاختك امرأة ، ويكون لك خادم - وليس لاختك خادم ، (و) ان تبعث خادمك (ف) يغسل ثيابه - ويمنع طعامه - ويمهد فراشه . والحق السابع : ان تبر قسمه - و تجيب دعوته ، - و تعود مريضه و تشهد جنازته (و) اذا علمت ان له حاجةً - فبادره الى قضائها - لا تلجئه (الى) ان يسألكها ، ولكن بادره مبادرةً - فاذا فعلت ذلك

و اگر چیزی از آنها را ضایع سازد از دوستی و طاعت خداوند بیرون رفته و حق خدا را نگذارد. بامام گفتم فدایت کردم آنها چیستند؟ فرمود ای معلى من با تو مهربانم می ترسم آنها را ضایع کنی و نگاه نداری و بدانی و بکار نمیدی بدو گفتم توانائی جز بخدا نیست فرمود آسان ترین آن حقوق آنستکه در باره مسلمان آنچه را که برای خود دوست میداری بخواهی و آنچه را که برای خود نمی پسندی بر او هم پسندی،

حق دوم اینکه از خشم وی پرهیزی و خوشنودی او را بخواهی و از وی فرمانبری. حق سوم اینکه با جان و مال و زبان و دست و پای خود بوی یاری کنی. حق چهارم اینکه دیده بان و راهنما و آئینه و جامه او باشی. حق پنجم اینکه با اگر سینه بودن او سیرنشوی و با تشنگی او سیراب نگردی و با برهنه بودن او لباس نیوشی. حق ششم اینکه تا اوزن نگیرد تو زن نگیری. و اگر او را نوکری نباشد تو نوکری اختیار نکنی. باید نوکر خود را بفرستی تا جامه او را بشوید و خوردنی او را بپزد و جامه خواب او را بگسترده. حق هفتم اینکه بسوگند او وفا کنی و در خواست او را بپذیری بیمار او را دیدار کنی و در جنازه او حضور یابی، و اگر بدانی که او رانیازی هست برای انجام آن بشتابی و او را ناگزیز نسازی که آنها از تو بخواهد. بلکه تو او را پیشی گیری هر گاه این را بکار بستی دوستی خود را بدوستی او و دوستی

وصلت ولايتك بولايته - (و ولايته بولايتك) .

٥ - ابن أبي عمير - عن مرزم - عن أبي عبد الله عليه السلام قال : ما أقبح بالرجل ان يعرف اخوه حقّه - و لا يعرف حق أخيه .

ح - باب الاخ مرآة أخيه

١ - (عن) حفص بن غياث النخعي - يرفعه الى النبي صلى الله عليه وآله وسلم ، قال : المؤمن مرآة أخيه - يميّط عنه الاذى .

ط - باب اطعام الاخوان

١ - عن جعفر بن محمد - عن ابيه - عن آباءه - عليهم السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : من اطعم مؤمناً من جوع اطعمه الله من ثمار الجنة و من سقاه من ظمأ سقاه الله - من الرحيق المختوم - و من كساه ثوباً لم يزل في ضمان الله مادام على ذلك المؤمن من ذلك الثوب (هدبة او) سلك ، والله لقضاء حاجة (ال) مؤمن افضل من صيام شهر - و اعتكافه .

او را بدوستی خود پیوند داده‌ای .
۵ - ابو عبدالله فرمود : برای مرد بسی زشت است
که برادر او حق وی را بشناسد و لسی او حق برادری
را نشناسد .

باب (۸) در اینکه برادر آئینه برادر خویش است

۱ - پیغمبر فرمود : مؤمن آئینه برادر خود بوده آزار را از او
دور میسازد .

باب (۹) اطعام برادران

۱ - پیغمبر خدا فرمود : هر که مؤمن گرسنه را سیر کند
خداوند وی را از میوه‌های بهشت میخوراند ، و هر که او را
از تشنگی سیراب کند خداوند و بر او از می مشکبوی بنوشاند و
هر که او را جامه بپوشاند - تا ریشه و نخی از آن جامه بر تن
آن مؤمن است در ضمان خدا خواهد بود . بخدا سوگند همانا
بر آوردن حاجت مؤمن از یکماه روزه و اعتکاف بر تراست .

٢- عن هشام بن الحكم - عن ابي عبد الله عليه السلام ، قال : (ان) من احب الاعمال الى الله عز وجل - ادخال السرور على المؤمن (و) « اشباع » جوعته و تنفيس كربته (ا) وقضاء دينه .

٣- عن ابي جعفر عليه السلام (قال) لاكلت اطعمها اخا لي في الله (عز وجل) احب الي من ان اشبع عشرة مساكين ، ولان اعطى اخا لي في الله عز وجل عشرة دراهم احب الي من (ان) اعطى مائة درهم للمساكين .

٤- (و) عن ابي حمزة - قال : قال ابو جعفر عليه السلام ثلثة من افضل الأعمال : شبعة جوعة المسلم ، و تنفيس كربته ، و تكسو عورته .

٥- و عن ابي حمزة عن ابي جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله من اطعم ثلثة نفر من المسلمين اطعمه الله من ثلث جنان (في) ملكوت السماء (و) الفردوس و جنة عدن غرسها ربنا بيده .

٦- عن ابي بصير قال ، قال ابو عبد الله عليه السلام لان رجلا من المسلمين احب الي (من) ان اطعم اُفقاً

۲ - ابو عبدالله (ع) فرمود همانا شاد نمودن مؤمن و سیر کردن وی و اندوه از وی بردن و ادای دین او از محبوبترین کارها نزد خداوند بزرگ است :

۳ - ابو جعفر (ع) فرمود : لقمه را بپیرادر دینی خود بخورانم بیشتر دوست میدارم تا ده گدا را سیر کنم ، و ده درهم بپیرادر دینی خود بدهم بیشتر دوست دارم تا صد درهم بگدایان ببخشم .

۴ - نیز فرمود : سه چیز از بهترین کارهاست مسلمان گرسنه را سیر نمودن و غم از وی زدودن و او را از برهنگی پوشاندن .

۵ - پیغمبر فرمود : هر که سه تن از مسلمان را بخوراند خداوند از طعام سه بهشت بدو خوراند : ملکوت آسمان ، و فردوس ، و باغ عدن که خداوند آنرا بدست قدرت خود کاشت .

۶ - ابو عبدالله (ع) فرمود : بیکتن مسلمانرا . اطعام کنم بهتر میدانم که گروهی از مردم را بخورانم . گفتم گروه

من الناس ، فقلت (و) ما الافق ؟ قال مائة الف اوزيريدون
٧ - و عنه - عن عبد الله عليه السلام ، قال : ذكر
اصحابنا (الاخوان) فقلت : ما اتغدى - ولا اتعشى
الا و معي اثنان - او ثلاثة - او اقل - او اكثر ؛ فقال :
ابو عبد الله عليه السلام فضلهم عليك اعظم (من فضلك) عليهم ،
فقلت ، جعلت فداك ، كيف و انا اطعمهم طعامي - و
انفق عليهم مالي ، و يخدمهم خدمي و اهلي ؟ قال : انهم
اذا دخلوا عليك (دخلوا عليك) برزق كثير ، و اذا خرجوا
خرجوا (ب) المغفرة لك .

٥- باب تقيم الاخوان

١- عن داود الرقي عن رباب امراته ، (قال) «
اتخذت خبيصاً - فأدخلته على ابي عبد الله عليه السلام وهو يأكل
فوضعت الخبيص بين يديه و كان يلقم اصحابه (فسمعتة يقول) من
لقم مؤمناً لقمه (حلاوة) صرف الله (عنه) مرارة يوم القيامة .

٦- باب منفعة الاخوان

١- عن عبد الله بن ابراهيم الغفاري - عن جعفر بن

چيست ؟ فرمود : صدهزار يا بيشتر .

۷ - راوی گفت : نزد ابی عبدالله (ع) يادی از ياران ما شد ، من گفتم ناهار نمی شکنم و شام نمی خورم مگر اينکه دو يا سه تن يا کمتر يا بيشتر از آنان با من باشند پس فرمود : برتری آنان بر تو بيشتر است از برتری تو بر آنها گفتم فدای تو شوم چرا ! با اينکه من از خوردنی خود بآنها ميخورانم و از مال خود بآنها میبخشم و عيال خویش را بخدمت آنها می گمارم . فرمود آنان هنگامي که بر تو وارد شدند روزی فراوانی برای تو آوردند و بيرون که رفتند با آمرزش تو رفتند .

باب (۱۰) خورائیدن برادران

راوی گفت حلوائی از خرما و روغن با خود گرفتيم و نزد ابی عبدالله (ع) بردم و او غذا ميخورد آنرا در جلو وی گذاردم بياران خویش ميخورانيد و شنيدم که میگفت هر که لقمه شیرینی بمؤمنی بخوراند خداوند تلخی روز قيامت را از وی دور سازد .

باب (۱۱) سودمندی برادران

۱ - جعفر بن محمد (ع) فرمود : در دنيا دوست بسيار

ابراهيم - عن جعفر بن محمد عليه السلام ، قال : سمعته يقول :
اكثروا من الاصدقاء، في الدنيا ، (فانهم) ينفعون
في الدنيا - والآخرة - اما الدنيا فحوائج يقومون بها ، و
اما الآخرة فان اهل جهنم قالوا فما لنا من شافعين ولا
صديق حميم.

يب - باب استفادة الاخوان

١- (عن) احمد بن ادريس - عن احمد بن محمد عن بعض
اصحابنا ، قال : قال ابو عبدالله عليه السلام (استكثروا
من الاخوان - فان لكل مؤمن دعوة مستجابة و قال
استكثروا من الاخوان فان لكل مؤمن شفاعتة ، و قال
اكثروا مواخاة المؤمنين فان لهم عند الله يداً يكافئهم بها
يوم القيمة.

٢- محمد بن يزيد قال : سمعت الرضا عليه السلام يقول : من
استفاد اخاً في الله فقد استفاد بيتاً في الجنة.

يج - باب المؤمن اخ المؤمن

١- عن فضيل بن يسار (قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام

گیرید چه آنها در دنیا و آخرت سودمندند : در دنیا بکارها
میرسند و در آخرت دوزخیان میگویند ما را شفاعت کنندگان
و دوست صمیمی نیست .

باب (۱۲) انتفاع برادران

- ۱ - ابو عبدالله (ع) فرمود : برادر فراوان گیرید زیرا
هر مؤمنی را دعائی است مستجاب ،
ابو عبدالله (ع) فرمود : برادر بسیار گیرید زیرا هر
مؤمن را شفاعتی است
ابو عبدالله (ع) فرمود : بسیار با مؤمنان یمان برادری
بندید زیرا آنان در پیش خدا حقی دارند که روز قیامت برابر
آن از وی پاداش گیرند .
- ۲ - امام رضا (ع) فرمود : هر که برادری دینی بدست
آرد خانه ای در بهشت بچنگ آورده باشد .

باب (۱۳) مؤمن برادر مؤمن است

- ۱ - ابو عبدالله ع فرمود: مسلمان مسلمان را برادر است

يقول : المسلم لا يظلمه ولا يخذله.

٢- و عنه - عن ابي بصير قال : سمعت ابا عبد الله عليه السلام

يقول : المؤمن اخو المؤمن كالجسد الواحد ان اشتكى شيئا

منه - وجد الم ذلك في ساير جسده و ارواحهما من روح

واحدة ، و ان روح المؤمن لاشد اتصالا (بروح الله) من

اتصال شعاع الشمس بها ، و دليله ، لا يحزنه - ولا يظلمه

ولا يغتابه ولا يعده عدة فيخلفه.

يد- باب افادة الاخوان بعضهم بعضا

١ - عن ابي عبد الله عليه السلام قال : سمعته يقول :

المؤمنون خدم - بعضهم لبعض ، قلت : و كيف يكون

خدماً بعضهم لبعض ، قال يفيد بعضهم بعضاً - (الحديث)

يد- باب هجر الاخوان

١- عن داود بن كثير ، قال ، سمعت ابا عبد الله عليه السلام

يقول : قال ابي قال : رسول الله عليه السلام ايما مسلمين

تهاجر امكنك ثلثا لا يطلعحان الا كانا خارجين من الاسلام

و ستم بروی نمیکند و ازوی فروگذار نکند.

۲- نیز فرمود: مؤمن برادر مؤمن است چون يك تن که اگر یکی از اندام آن بدرد آید دیگر اعضا نیز رنج می بینند جانهای مؤمنان از يك روح است و جان مؤمن با روح خدا پیوسته تر است از شعاع آفتاب باخود آن. آن مؤمن راهنمای مؤمن است و با او خیانت نمیکند و ستم بر او روا نمیدارد از وی غیبت نمیکند و باوی خلاف وعده نمیکند.

باب (۱۴) سود رساندن برادران یکدیگر

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: مؤمنان خدمتگزار یکدیگرند گفتم چگونه یکدیگر را خدمت میکنند فرمود یکدیگر را سود میرسانند.

باب (۱۵) دوری کردن برادران از یکدیگر

۱- پیغمبر خدا فرمود: دو تن مسلمانیکه از یکدیگر دوری گزینند و سه روز بگذرد، آشتی نکنند مگر آنکه از مسلمانی بیرون رفته باشند و میان آنها دوستی نباشد، پس هر يك که در

ولم يكن بينهما ولاية فايتهما سبق الى كلام اخيه كان
السابق الى الجنة يوم الحساب.

يو = باب استيحاء الاخوان بعضهم

من بعض

١- عن يونس بن عبد الرحمن - عن كليب بن معوية،
قال سمعته يقول : ما ينبغي للمؤمن ان يستوحش الى اخيه
فمن دونه ، المؤمن عزيز في دينه.

يز = باب محبة الاخوان

١- عن ابي عبد الله عليه السلام قال : قديكون حبا في
الله ورسوله ، وحب (في) الدنيا ، فما كان في الله ورسوله
فتوا به على الله و ما (كان) في الدنيا فليس بشيء.

٢- وقال ابو جعفر عليه السلام : لو ان رجلا في الله لاثابه الله
على حبه ، و ان كان المحبوب في علم الله من اهل النار
ولو ان رجلا ابغض رجلا لله لاثابه الله على بغضه اياه ، و ان
كان المبغض في علم الله من اهل الجنة.

سخن گفتن با برادر خویش بیشی گیرد در روز شمار هم بیشتر
بیهشت خواهد رفت.

باب (۱۶) هراس برادران از یکدیگر

۱ - معصوم فرمود ، سزاوار نیست که مؤمن از برادر
خویش بهراسد (؟) مؤمن در دین خود عزیز است .

باب (۱۷) دوستی برادران

۱ - ابو عبدالله (ع) فرمود: گاهی دوستی برای خدا و پیغمبر
است و گاهی برای دنیا، دوستی که در راه خدا و پیغمبر باشد
پاداش آن با خداست و اگر برای دنیا باشد چیزی نیست.
۲ - ابو جعفر فرمود: هر گاه مرد برای خدا کسی را دوست
بدارد خداوند باین دوستی او پاداش میدهد اگر چه آن دوست
در علم خدا از دوزخیان باشد و هر گاه برای خدا او را دشمن
بدارد خداوند بهمین دشمنی او پاداش میدهد اگر چه آن دشمن
پیش خدا از بهشتیان باشد.

٣- (و) عن ابي جعفر عليه السلام ، قال اذا اردت ان تعلم ان
فيك خيراً فانظر الى قلبك ، - فان كان يحب اهل طاعة الله -
ويبغض اهل معصيته ففيك خير والله يحبك ، وان كان يبغض اهل
طاعة الله ويحب اهل معصيته فليس فيك خير والله يبغضك ،
والمرء مع من احب .

٤- عن عبدالله (بن) (ال) قسم الجعفرى قال: سمعت
ابا عبدالله عليه السلام يقول : حبّ الأبرار للأبرار ثواب للأبرار
(و حبّ الأبرار للأبرار فضيلة للأبرار) و حبّ الفجار
للأبرار زين للأبرار ، و بغض الأبرار للفجار (خزى-
للفجار)

٥- عن حمران بن اعين - عن ابي عبدالله عليه السلام قال:
له: يا حمران ان لله عموداً من زبرجد اعلاه معقود بالعرش-
واسفله في تخوم الارضين السابعة ، عليه سبعون الف قصر
على كل قصر (سبعون) الف مقصورة (في كل مقصورة)
سبعون الف حورا (ع) قداعد الله (ذلك) للمتحابين في الله
والمبغضين في الله.

۳- نیز فرمود: هر گاه میخواهی بدانی که در تو خیری هست بدل خویش بنگرا اگر فرمانبران خدارا دوست و نافرمانان خدارا دشمن می داری پس در تو خیری هست و خداهم تو را دوست میدارد و اگر پیروان خدارا دشمن است و نافرمان را دوست پس در تو خیری نیست و خدا با تو دشمن است و مرد با آن کسی است که دوست میدارد.

۴- ابو عبد الله (ع) فرمود: دوست داشتن نیکان نیکان را برای نیکان ثواب است و دشمن داشتن بدان نیکان را فضیلت نیکان است دوست داشتن بدان نیکان را زینت نیکان است و دشمن داشتن نیکان بدانرا خواری بدانست.

۵- ابو عبد الله بحمران فرمود: ای حمران: خدا یرا ستونی است از زبرجد که بالای آن بعرش بسته پائین آن در زیر زمین های هفتگانه می باشد و بر آن هفتاد هزار کاخ ساخته شده و در هر کاخی هفتاد هزار خانه قرار دارد و در هر خانه هفتاد هزار حوری می باشد که آنها را خداوند برای کسانی که دوستی و دشمنی آنها در راه او است آماده ساخته است.

يح - باب ثواب التَّبَسُّمِ فِي وَجْهِهِ

الْأَخْوَانِ

١- (قال) قال ابو الحسن الرضا عليه السلام : من خرج في حاجة - و مسح وجهه بما، الورد لم يرهق وجهه قتر - ولا ذلّة - و من شرب من سؤر اخيه المؤمن يريد بذلك التّواضع ادخله الله الجنّة البتّة ، و من تبسّم في وجه اخيه المؤمن كتب الله له حسنة ، و من كتب الله له حسنة لم يعذب به.

٢- عن جابر بن يزيد - عن ابي جعفر عليه السلام ، قال : تبسّم (ال) رجل في وجه اخيه حسنة ، و صرفه القذا عنه حسنة ، و ما عبد الله بشي، احبّ اليه من ادخال السرور على المؤمن.

٣- عن ابي عبد الله عليه السلام قال من اخذ عن اخيه المؤمن قذاة كتب الله له عشر حسنات ، و من تبسّم في وجه اخيه كانت له حسنة.

باب (۱۸) ثواب خوشروئی با برادران

۱- امام رضا (ع) فرمود: هر کس پی کازی برود و روی خویش را گلابزند غبارخواری برچهره وی ننشیند، و هر که از نیمخورده برادر مؤمن بخورد و از آن فروتنی خواهد خداوند ویرا ببهشت خواهد برد، و هر که بروی برادر مؤمن خویش لب خندزند خداوند برای وی پاداشی بنویسد و هر که خداوند برایش حسنه نوشت عذابش نخواهد کرد.

۲- ابو جعفر (ع) فرمود: تبسم بر روی مؤمن نیکی است، و گرد ازوی دور ساختن خوبی است و هیچ عبادتی از دلخوش کردن مؤمن نزد خدا بهتر نیست.

۳- ابو عبدالله (ع) فرمود: هر که از چهره برادر مؤمن گردی گیرد خداوند بزرگوار برای وی ده پاداش بنویسد و هر که بروی مؤمن لبخندزند مزدی خواهد داشت.

يط - باب (ثواب) ، قضاء حوائج

الآخرون

١ - عن ابي عبدالله عليه السلام ، قال : من ذهب مع اخيه في حاجة فضاها اولم يقضها ، كان كمن عبد الله .
٢ - عن المفضل - عن ابي عبدالله عليه السلام : قال قال لي يا مفضل : اسمع ما اقول لك ، و اعلم انه الحق واتبعه - و اخبر به عليّة اخوانك ، قلت : و ما عليّة اخواني ؟ قال : الرّاغبون في قضاء حوائج اخوانهم ، قال : (ثم قال) و من قضى لأخيه المؤمن حاجة ، قضى الله له يوم القيمة مائة الف حاجة ، من ذلك اوله الجنة له ، و من ذلك ان يدخله قرابته - و معارفه - و اخوانه الجنة - بعد ان لا يكونوا ناصبا ، فكان مفضل اذا سأل الحاجة اخاً من اخوانه ، فقال له اما تستهي ان تكون من عليّة الاخوان .

٣ - عن ابي عبدالله عليه السلام قال : قضاء حاجة المؤمن خير من عتق الف رقبة و خير من حملان الف فرس في سبيل الله .

باب (۱۹) - ثواب رسیدگی بکارهای برادران

۱ - ابو عبدالله (ع) فرمود: هر که با برادر خویش پی کاری رود خواه انجام گیرد و خواه انجام نگیرد چنانستکه خدا بر او پرستیده باشد.

۲ - ابو عبدالله (ع) فرمود: ای مفضل: آنچه گویم بشنو و بدان که راست است و آنرا بکار بند و برادران ارجمندت بگو، گفتم برادران ارجمند کیانند؟ فرمود: آنانکه رسیدگی بکارهای برادران را خواهانند. سپس فرمود: هر کس يك حاجت برادر مؤمن خویش را بر آورد خداوند در روز قیامت صد حاجت از وی بر آورده سازد که نخستین آنها بهشت است: دیگر آنکه نزدیکان و آشنایان و برادران او را ببهشت ببرد وئی باین شرط که ناصبی نباشد. از آن پس مفضل از هر برادری از برادران خویش که کاری میخواست بدو میگفت مگر نمیخواهی از برادران ارجمند بشمار آیی؟

۳ - ابو عبدالله (ع) فرمود: انجام کار مؤمن از آزاد کردن هزار برده و بخشیدن بار هزار اسب در راه خدا بهتر است.

٤- عن ابي حمزة الشمالي - عن ابي عبدالله عليه السلام ، قال : من قضي لمسلم حاجة كتب (الله) له عشر حسنات - و محى عنه عشر سيئات ، ورفع عشر درجات و اظله الله في ظلّ (يوم) لا ظلّ الاّ ظلّه.

٥- عن جعفر بن محمد عليه السلام عن ابيه عليه السلام ، قال : قال : رسول الله صلى الله عليه وآله (قال الله تعالى) : المؤمنون اخوة ، يقضي بعضهم حوائج بعض ، (و) اقضى حوائجهم يوم القيمة.

٦- عن ابي عبدالله عليه السلام . قال . يؤتي بعد يوم القيمة ليست له حسنة ، فيقال له : اذ كر تذكر هل لك من حسنة؟ قال : فيذكر فيقول يا رب مالي من حسنة الاّ ان فلانا عبدك المؤمن مرّ بي فطلب ماءً يتوضأ به ليصلي فاعطيته ، قال فيدعى بذلك العبد المؤمن ذلك فيقول: نعم يا رب مررت به فطلبت منه فاعطاني - فتوضأت - فصليت لك فيقول الرب تبارك - و تعالى : قد غفر لك ، ادخلوا عبد(ى) الجنة.

٦- عن ابي جعفر عليه السلام ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله انّ الله عباد (أ) يحكمهم في جنّته قيل يا رسول الله ومن هؤلاء الذين يحكمهم الله في جنّته ؟ قال: من قضي لمؤمن حاجة بينه (وبينه).

۴- نیز فرمود: هر کس حاجت مسلمانی را بر آورد خداوند برای وی ده پاداش بنویسد و ده گناه از وی محو کند و ده درجه ویرا بلند کند و در روزیکه سایه جز سایه خداوند نیست ویرا در زیر سایه خود پناه دهد.

۵- پیغمبر خدا فرمود: که خداوند گفته مؤمنان برادر یکدیگرند و بکار همدیگر میرسند و روز قیامت من نیازمندی آنان را بر آورده خواهم ساخت.

۶- ابو عبدالله (ع) فرمود: روز قیامت بنده ایرا که هیچ نیکی نکرده می آورند و بدو می گویند بیندیش شاید مگر نیکی کرده باشی بیاد می آورد و می گوید پروردگارا کار نیکی از من سر نزد مگر اینکه فلان بنده مؤمن تو مرا دید و آبی از من خواست تا وضو سازد و نماز گذارد و من آب باو دادم آنگاه همان بنده مؤمن را می آورند و می پرسند او هم بیاد می آورد و می گوید آری پروردگارا او را دادم و آب خواستم و بمن داد و با آن وضو ساختم و برای تو نماز گذاردم خداوند بزرگوار می فرماید تو را آمرزیدم بنده مرا ببهشت برید.

۷- پیغمبر (ص) فرمود: خداوند بندگانی دارد در بهشت که ایشان را حکم قرار می دهد، پرسیدند آنها کیانند؟ فرمود: کسیکه حاجت مؤمن را میان خود و خدا بر آورده سازد.

ك - باب النهي عن سؤال الاخوان

الحوائج

- ١- عن يونس رفعه ، قال : قال : ابو عبدالله (عليه السلام) لا تسألوا اخوانكم الحوائج فيمنعوكم فتغضبون - و تكفرون.

كا - باب زيارة الاخوان

- ١ - عن بكر بن محمد الازدي قال : سمعت ابا عبدالله (عليه السلام) يقول : ما زار مسلم اخاه في الله عز وجل الا ناداه (الله) عز وجل : ايها الزائر طيب ، - و طابت لك الجنة.
- ٢- عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال : ثلاثة من خالصة الله عز وجل يوم القيمة رجل زار اخاه في الله عز وجل فهو زوار الله (عز وجل) على الله ان يكرم زواره ويعطيه ما سأل ، و رجل دخل المسجد فصلّى ثم عقب فيه انتظاراً للصلوة الاخرى فهو ضيف الله عز وجل - و حق على الله ان يكرم

باب (۲۰) - نهی درخواست کاری از برادران

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: از برادران خویش حاجت نخواهید که مبادا نپذیرند و شما خشم گیرید و کافر شوید.

باب (۲۱) - دیدار برادران

۱ - ابو عبدالله (ع) فرمود: هیچ مسلمانی بدیدار برادر خویش نمی رود مگر اینکه خداوند او را می خواند که ای دیدار کننده خوش باش و بهشت تو را گوارا باد.

۲ - ابو عبدالله (ع) فرمود: سه کس در روز قیامت از خاصان خدا بشمار آیند: مردیکه برادر دینی خویش را دیدار کند که از زیارت کنندگان خدا است و اکرام آنان بر او واجب می باشد و هرچه بخواهد خداوند می دهد و مردیکه بمسجد در آید و در آن نماز کند و بانتظار نماز دیگر تعقیب بنخواند که او میهمان خدا است و خدا را سزد که میهمان خویش را گرامی بدارد و کسانی که حج یا عمره گذارند چه آنان وارد بر خدا آیند و شایسته

ضيفه ، والحاجّ والمعتمر - فهما وفد الله عزّ وجلّ - وحقّ
على الله (جلّ ذكره) ان يكرم وفده.

٣- عن ابي عبدالله عليه السلام قال (ل) التواصل بين الاخوان
(في الحضر) التزاور ، والتواصل بينهم في السفر التكتاب.

٤- عن ابي حمزة الشمالي عن ابي عبدالله عليه السلام قال :
من زار اخاه لله لا غير التماس موعده الله - و تنجز ما عنده الله
و كل الله به سبعين الف تملك ينادونه ألا طبت و طاب لك
الجنة.

٥- عن ابي حمزة الشمالي - عن ابي عبدالله عليه السلام
قال ، من زار اخاه بظهر المصر نادى مناد من السماء الان
فلان بن فلان من زوّار الله . قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام)
يقول : ما زار المسلم اخاه المسلم في الله الا ناداه الله عزّ وجلّ
ايّها الزائر طبت و طابت لك الجنة.

٦- عن معاوية بن عمار ، قال ، قال ابو عبدالله عليه السلام
زرا خاك في الله ، فانّما منزلة اخيك منزلة يدريك تدور هذه
عن هذه (وهذه عن هذه).

٧- عن ابي عبدالله عليه السلام ؛ قال من زار اخاه في الله جاء

است که خداوند ایشان را اکرام نماید.

۳- ابو عبدالله (ع) فرمود: ارتباط برادران باهمدیگر در حضر بیدار است و در سفر به نامه نگاری.

۴- ابو عبدالله (ع) فرمود: هر که تنها برای خدا و بامید وعده و بانتظار رسیدن بنعمتهای او برادر دینی خویش را دیدار کند خداوند هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که ویرا بخوانند خوش باش و بهشت تورا گوارا باد.

۵- ابو عبدالله (ع) فرمود: هر کس به بیرون شهر برود تا برادر خویش را ببیند منادی از آسمان ندا می دهد فلان پسر فلان از زیارت کنندگان خدا است.

ابو عبدالله (ع) فرمود: هیچ مسلمانی بدیدار برادر دینی خود در راه خدا نمی رود مگر آنکه خداوند بدو می گوید ای زیارت کننده خوش باش و بهشت تورا گوارا باد.

۶- ابو عبدالله (ع) فرمود: برادر دینی خود را دیدار کن زیرا وی چون دست تو است و دستها هر یک نگهدار دیگری می باشند.

ابو عبدالله (ع) فرمود: کسیکه در راه خدا بدیدار برادر

يوم القيمة يخطر بين قباطى من نور لا يمر بشيء الا اضاء له حتى يقف بين يدي الله (تع) فيقول له (عز وجل) مرحباً فأذا قال له مرحباً اجزل له العطيّة.

٧- عن ابي جعفر - عن ابيه عليهما السلام، قال: قال: رسول الله ﷺ سر سنين برو الديك سر سنة صل رحمك ، سر ميلاً عد مريضاً ، سر ميلين شيع جنازة سر ثلاثة اميال اجب دعوة سر اربعة اميال زر اخافي الله ، سر خمسة اميال انصر مظلوماً ، سر ستة اميال اغث ملهوفاً ، و عليك بالاستغفار

كب- باب العناية بالاخوان

١- عن ابي عمران الحلبي قال : قال: ابو عبد الله عليه السلام احق من ذكر (ت) من اخوانك من لا ينسأك ، و احق من عنيت به - من نفعه لك - و ضرره على عدوك ، و احق من صبرت عليه - من لا بد لك منه.

كج- باب مصافحة الاخوان

١- عن اسحق بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام ، قال:

دینی خویش برود روز قیامت شادمان و اعجاب زده و لباسی از نور مانند پوشاک کتانی مصری در بر کرده می آید، و بهر جائیکه بگذرد تابشی پیرامون او را روشن می سازد تا اینکه در پیشگاه خداوند می ایستد و خداوند بدو می گوید زهزه و در این هنگام عطایای فراوانی از طرف خدا بدو میرسد.

۸- پیغمبر فرمود: سالها راه را پیما و پیدر و مادر نکوئی کن و راه یکسال را برو و خویشاوندان را دل بدست آر و برای عیادت بیمار اگر یکمیل راه هم بود برو و دو میل راه را بسپر و از تشییع جنازه باز نمان و برای اجابت دعوت از پیمودن سه میل مسافت دریغ مکن و در دیدار برادر دینی چهار میل راه را مانع مدان. برای دادرسی ستمدیدگان پنج میل هم شد پیما و شش میل راه برو و غم دیده را یاری کن و تورا باید که آمرزش بخواهی.

باب (۲۲) توجه ببرادران

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: برادریکه تورا از یاد نمیرد بیشتر میسزد که از وی یاد آری، و آنکه تورا سودمند است و بدشمنت زیان بخش شایسته تر است که بدو توجه کنی و آنکه از وی ناگزیری سزاوارتر است که در برابرش شکیبایی باشی.

باب (۲۳) دست دادن ببرادران

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: همانا کسی قدر خدا و پیغمبر

انَّ (الله عزّ وجلّ لا يقدر احدا قدره - و كذلك لا يقدر قدر نبيّه ، و كذلك لا يقدر قدر) المؤمن (انّه) ليلقي اخاه فيما فحه فينظر الله (عزّ وجل) اليهما و الذنوب تحاطّ عن وجوههما حتّى يفترقا كما تحط الرياح الشديدة الورق عن الشجر.

٢ - عن جابر قال ، قال رسول الله ﷺ اذالقى احدكم اخاه فليما فحه و (ا) يسلم عليه ؟ فانّ الله اكرم بذلك الملائكة فاصنعوا بمنع الملائكة.

كـ باب ادخال السرور على المؤمن

١- عن خلف بن حمّاد يرفع الحديث الى احدهما عليه السلام ، قال لا يرى احدكم ان (ا) ادخل السرور على اخيه انّه ادخله عليه فقط ، بل والله علينا ، بل والله على رسول الله ﷺ

٢- عن عبد الله بن الوليد الوصافي ، قال سمعت ابا- جعفر عليه السلام يقول فيما ناجاه الله به عبده موسى قال : ان لي عباداً ابيحهم جنّتي ، و احكمهم فيها ، قال : يارب و من (هم) هؤلاء ، الذين تبيحهم جنّتك ، و تحكمهم (فيها)

را نمی‌داند و قدر مؤمن را هم نخواهد دانست زیرا مؤمن برادرش را می‌بیند و با وی دست می‌دهد و خداوند بداند آنها می‌نگرد و تا از هم جدا نشوند گناهان آنها میریزد چون بر کپا ئیکه در اثر تندباد از درخت میریزد.

۲- پیغمبر فرمود: اگر کسی از شما برادر خویش را ببیند دست دهد و سلام گوید چه خداوند فرشتگان را بساین خصلت امتیاز داد پس عمل آنان را بکار بندید.

باب (۲۴) شاد کردن مؤمن

۱- معصوم فرمود: کسیکه مؤمنی را شاد ساخت گمان نبرد که تنها او را مسرور کرد بلکه بخدا سوگند ما را و بلکه رسول خدا را هم خرسند نمود.

۲ - ابو جعفر (ع) فرمود: خداوند متعال با بنده خویش موسی مناجات کرد و از جمله بدو فرمود: مرا بندگانیست که بهشت را بر آنها روا داشته‌ام و آنان را در بهشت حکم قرار خواهم داد

قال : من ادخل على مؤمن سروراً .

٣- عن جعفر بن محمد (ع) عن علي بن الحسين عليهما السلام ، قال قال رسول الله ﷺ : ان أحب الأعمال الى الله تعالى ادخال السرور على المؤمن .

٤- عن جميل - وغيره عن أبي عبدالله عليه السلام ، قال سمعناه يقول : ان من أحب الأعمال الى الله تعالى ادخال السرور على المؤمن .

٥- (لوط بن اسحق) (عن أبي عبدالله عليه السلام) عن ابيه - عن جده ، قال : قال رسول الله ﷺ ، ما من عبد يدخل على أهل بيت سرور (١) الا خلق الله من ذلك السرور خلقا يجيئه يوم القيامة كلما مرت شديده يقول يا ولي الله لا تخف ، فيقول : من انت فلو ان الدنيا كانت لي ما رايتها لك شيئاً؟! فيقول : انا السرور الذي ادخلته على آل فلان .

٦- عن صفوان بن مهران الجمال ، قال : سمعت أبا - عبدالله عليه السلام يقول : ان مما يحب الله من الأعمال ادخال السرور على المؤمن .

٧- عن الربيع بن صبيح رفع الحديث الى النبي

موسی برسید کیانند : فرمود آنانکه مؤمنی را شاد سازند .
۳ - پیغمبر فرمود ، بهترین کارها نزد خدا شاد کردن
مؤمنان است .

۴ - ابو عبدالله فرمود : یکی از محبوبترین کارها نزد
خدا مسرور ساختن مؤمن است .

۵ - پیغمبر فرمود : بنده ای نیست که خاندان مؤمنی را
شاد کند مگر آنکه خداوند از آن شادی برای وی مخلوقی
می آفریند که نزدش می آید و هر گاه سختی بیند بدو میگوید
ای دوست خدا مترس . از وی می پرسد کیستی اگر دنیا از آن
من بود آنرا سزاوار تو نمی دانستم پاسخ می دهد من همان
شادی هستم که در دل فلان داخل کردی .

۶ - ابو عبدالله فرمود : یکی از چیزهایی که خداوند دوست
می دارد شاد کردن مؤمن است .

۷ - پیغمبر فرمود : کسی که مؤمنی را دیدار کند تا او را

صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : من لقي اخاه بما يسره ليسره سره الله يوم يلقاه ؛
و من لقي اخاه بما يسوؤه ليسوؤه اساءه الله - و بعده يوم -
القيمة.

٨- عن أبي عبد الله عليه السلام قال : من ادخل على اخيه
سرور (أ) اوصل ذلك والله إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم ومن اوصل
سروراً إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم اوصله إلى الله ، ومن اوصل
(والله) إلى الله حكمه الله والله يوم القيمة في الجنة.

٩- عن أبي حمزة الثمالي قال : سمعت ابا جعفر (ع)
يقول: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ، من سرّ مؤمناً فقد سرّني ومن
سرّني فقد سرّ الله.

ك- باب البخل على الاخوان

١- عن الرضا عليه السلام انه قال : قال علي بن الحسين
(عليهما السلام) انسى لاستحى من ربي ان ارى الاخ من
اخواني فأسأل الله الجنة - و ابخل عليه بالدينار والدرهم
فاذا كان يوم القيمة قيل : لى لو كانت الجنة (لك) لكنك بها
ابخل و ابخل - ابخل.

شاد سازد روز قیامت خداوند هم او را مسرور میکند و اگر برای غمگین کردن او از وی دیدار کند روز قیامت خداوند او را مغموم میکند و دور می سازد .

۸- ابو عبدالله (ع) فرمود: کسیکه برادر خویش را شاد سازد بخدا سوگند پیغمبر خدا را شاد ساخت، و کسیکه پیغمبر را شاد سازد خدا را شاد کرده است و کسیکه خدا را شاد کند بخدا سوگند که روز قیامت خدا او را در بهشت حکم خواهد ساخت .

۹- پیغمبر فرمود: هر که مؤمنی را شاد کرد مرا مسرور ساخت و هر که مرا خرسند نمود خدا را شاد ساخت.

باب (۲۵) بخل بر برادران

۱- علی بن الحسین (ع) فرمود: من از خدای خود شرم می برم که یکی از برادرانم را بینم و از خدا برای وی بهشت بخواهم ولی از دینار و درم هم بروی دریغ کنم روز قیامت که شود بمن خواهند گفت که اگر بهشت از آن تو می بود بیشتر بآن بخل می ورزیدی .

گز - باب الشكوى الى الاخوان

١- عن الحسن بن راشد ، قال : قال (لى) ابو عبدالله
عليه السلام : يا حسن اذا نزلت بك نازلة فلا تشكها الى احد من
اهل الخلاف ، فانك ان فعلت ذلك شكوت ربك ، ولكن
اذ كرها لبعض اخوانك ، فانك لن تعدم خصلة من أربع :
اما تقوي به بمال و اما معونة بجاه ، و اما مشورة برأى ،
و اما دعوة مستجابة ، يا حسن اذا سألت مؤمنا حاجة
فهى له المعاذير قبل ان يعذر ، فان اعتذر فاقبل عذره ،
وان ظننت ان الامور على خلاف ما قال ؛ و اذا سألت منافقا
حاجة فلا تقبل عذره و ان عرفت عذره .

گز - باب ثواب من فرح اخاه

١- عن أبي عبدالله عليه السلام ، من فرح مسلماً خلق الله من
ذلك الفرحة صورة حسنة تقيه آفات الدنيا - و احوال الآخرة
تكون معه في الكفن - والحشر - والنشر حتى توقفه بين
يدى الله : فيقول له من أنت ؟ فوالله لو اعطيتك (الدنيا) لما

باب (۴۶) - شکایت بردن پیش برادران

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: ایحسین: اگر تو را مشکلی پیش آمد نزد مخالفان بشکایت مروچه اگر چنین کنی از خدا شکایت کرده‌ای بلکه درد خود را بیکی از برادران بگو زیرا از چهار خصلت بیرون نخواهی بود یا اینکه بمال تو را کمک میکنند یا بجاه و مقام تو را باری می‌کنند و یا بمشورت درباره تو رای می‌دهند و یا دعائی خواهند کرد که بر آوردنی است. ایحسین.

هر گاه از مؤمن حاجتی خواستی پیش از آنکه بهانه بیاورد برای وی بهانه‌هایی بیندیش و اگر پوزش خواست از وی بپذیر و اگر چه گمان کنی که امر برخلاف گفته او است و اگر بمنافق حاجتی بردی عذرش را نپذیر اگر چه بهانه او را تصدیق کنی.

باب (۴۷) ثواب کسیکه برادرش را شاد کند

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: کسیکه برادرش را شاد کند خداوند از آن شادی صورتی نیکو بیافریند که ویرا از سختیهای دنیا و دشواریهای آخرت نگرهداری کند و با او در گور وحشر و نشر می‌باشد تا اینکه ویرا نزد پروردگار برساند آنگاه مؤمن بدومی گوید کیستی بخدا سوگند اگر دنیا را بتو میدادم پاداش کمکی که بمن کردی نمی‌شد پاسخ می‌دهد که من همان

كانت عوضاً لما قمت لى به- فيقول : أنا الفرح الذى ادخلته
على اخيك في دار الدنيا.

كح- باب لقاء الاخوان بما يسوءهم

١- عن الربيع بن صبيح رفع الحديث إلى النبي صلى الله عليه وآله ، قال ، من لقي اخاه بما يسوءه ليسوءه اساءه بعد ما يلقاه.

كط- باب بر الاخوان

١- عن درست الواسطى ، قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول : ان المؤمن إذ مات ادخل معه في قبره ستّ مثل فابها هنّ صورة و احسنه (هنّ) وجهاً و اطيبهنّ ريحاً ، واهيأهنّ هيئة عند رأسه ، فان اتى (منكر - و نكير) من قبل يديه منعت التي بين يديه ، و ان اتى من خلفه منعت التي من خلفه ، و ان اتى عن يمينه منعت التي عن يمينه ، و ان اتى من يساره - منعت التي عن يساره (وأن اتى من عند رجليه منعت التي عند رجليه) و ان اتى من

شادی هستیم که در دنیا بدل برادر خویش وارد کردی.

باب (۲۸) دیدار برادران ورنجاندن آنان

۱- پیغمبر (ص) فرمود هر که برادر خود را دیدار کند تا ویرا رنجه سازد از او بدی خواهد دید.

باب (۲۹) نیکی ببرادران

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: مؤمن کاهیکه بمیردشش بیکر بگور او در آیند آنکه صورتی درخشانتر و روئی زیباتر و جوئی خوشتر و ساختی نیکوتر دارد بالای سر وی قرار میگیرد و اگر نکیر و منکر بخواهند از جلو بمؤمن در آیند بیکریکه در جلو است آنها را مانع می شود و اگر بخواهند از پشت یا راست یا چپ یا از پیش یا و یا از بالای سر در آیند آنکه در پشت یا راست یا چپ یا جلو و یا بالای سر قرار

عند رأسه ، قال : فيقول لهنّ لتي هن احسنهنّ صورة و
اطيبهنّ ريحاً ، واهيأهنّ هيئة (من) اتنّ ؟ جزاكنّ الله
عنى خيراً ، قال : (ف) تقول التي بين يديه أنا الصلوة ، و
تقول التي من خلفه انا الزكوة و تقول التي عن يمينه :
انام الصيام ، و تقول التي عن يساره انا الحج ، و تقول التي
عند رجليه انا برّه باخوانه المؤمنين ، فيقلنّ لها من أنت ؟
فأنت احسننا صورة- و اطيبنا ريحاً واهيأنا هيئة (ف) تقول :
أنا الولاية لمحمّد - و آل محمد .

٢- عن جميل بن درّاج عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال :
سمعتّه يقول ان ممّا خصّ الله به المؤمن ان يعرفه برّ
اخوانه ، و أن قلّ فليس البرّ بالكثرة ، و ذلك ان الله
يقول في كتابه (و يؤثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة
ثمّ قال : و من يوق شحّ نفسه فأولئك هم المفلحون) و من
عرفّه الله ذلك (فقد) احبّه الله و من احبّه الله اوفاه اجره
يوم القيمة ، بغير حساب ، ثمّ قال : يا جميل ارو هذا الحديث
لأخوانك فإن فيه ترغيباً للبرّ .

گرفته مانع می گردد: آنگاه پیکریکه نیکو روی تر و خوشبو تر و زیباتر است بدیدران میگوید خدا شما را باذاش نیک دهد شماها کیستید؟ آنکه در جلو است می گوید من نمازم و آنکه در پشت سر قرار گرفته میگوید من زکواتم و آنکه در طرف راست است میگوید من روزه ام و آنکه در سمت چپ قرار گرفته میگوید من حجم و آنکه برابرپاها قرار گرفته میگوید من آن نیکی هستم که به برادران خود کرده است پس آنها بوی می گویند تو کیستی و توازما زیباتر و خوشبو تری و ساخت توازما بهتر است وی می گوید من دوستی محمد (ص) و خاندان محمد .

۲- ابو عبدالله فرمود: یکی از چیزهاییکه خداوند بمؤمن اختصاص داد اینکه نیکی به برادر را بوی آموخت اگرچه اندک باشد و نیکی بفرآوانی نیست و این را خداوند در قرآن بیان فرمود: آنان اگر چه نیازمند باشند دیگرانرا بر خود برتری می نهند سپس فرمود هر که از بغل خود را باز دارد از رستگاران خواهد بود. کسیکه خداوند این خوی آموخت او را دوست داشته است و کسی را که خداوند دوست بدارد پیاداش وی در روز قیامت بی حساب و فا خواهد کرد سپس امام بجمیل (راوی) فرمود ایجمیل ابن حدیث را برادرانت بگوچه در آن ترغیب است به نکوئی .

ل- باب السعي في حوائج الاخوان

١- عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال : مشى المسلم في

حاجة اخيه المسلم خير من سبعين طوافاً بالبيت.

٢ - عن أبي جعفر (عليه السلام) قال : اوحى الله (تعالى)

(إلى) موسى (عليه السلام) ان من عبادى لمن يتقرب بالحسنة،

فأحكمه في الجنة ، فقال : موسى يا رب ماتلك الحسنة؟

قال يمشى في حاجة اخيه المؤمن قضيت اولم تقضى.

٣- عن أبي عبيدة الحذاء، قال قال أبو جعفر (عليه السلام) :

من مشى في حاجة اخيه المسلم اظله الله بخمسة و سبعين

ألف ملك ، ولم يرفع قدماً (و) كتب الله بها حسنة ، و حط

عنه (بها) سيئة ، و رفع له بها (درجة) فاذا فرغ من حاجته

كتب الله له (عز وجله) (بها) اجر حاج - و معتمر.

٤ - عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال : من سعى في حاجة

أخيه المسلم طلب وجه الله كتب الله له ألف ألف حسنة يغفر

فيها لاقاربه - و جيرانه - و معارفه - و اخوانه و من صنع

إليه معروفًا في الدنيا ، - فاذا كان يوم القيمة قيل له ادخل

باب (۳۰) کوشش در کارهای برادران

- ۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: رفتن مسلمان در پی کار برادر مسلمان خویش از هفتاد طواف در خانه خدا بهتر است
- ۲- ابو جعفر (ع) فرمود: خداوند بزرگوار بموسی وحی کرد: برخی از بندگان من بسا نکوئی بمن تقرب میجویند و من آنانرا در بهشت حکم قرار می‌دهم پس موسی پرسید پروردگارا آن نکوئی چیست فرمود اینک در پی کار برادرمؤمن خویش برود اگرچه انجام نشود.
- ۳- ابو جعفر (ع) فرمود هر که در پی کار برادر مسلمان خویش برود خداوند هفتاد و پنجهزار فرشته را وامی‌دارد که بروی سایه بگسترانند و گامی بر نمی‌دارد مگر آنکه خداوند برای او بدان گام حسنه می‌نویسد و بهر گام گناهی از وی محو میکنند و درجه او را بالا می‌برد و گاهی که آن کار را انجام دهد اجر یک حج و یک عمره برای او می‌نویسد.
- ۴- ابو عبدالله (ع) فرمود: هر که برای کار برادر مسلمان خویش بکوشد و از آن خوشنودی خداوند را بخواهد خدا برایش هزار هزار حسنه می‌نویسد و خویشان و همسایگان و آشنایان و برادران او را و کسانی که بوی در دنیا نکوئی کردند می‌آمرزد روز قیامت که شود بدو می‌گویند بدوزخ

النار فمن وجدته فيها صنع إليك معروفاً في الدنيا فأخرجه
بإذن الله إلا أن يكون ناصباً.

٥- عن أبي بصير - عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال : من
سعى في حاجة أخيه المسلم - فاجتهد فيها ، فأجرى الله
قضاها على يديه ، كتب الله له حجة - و عمرة و اعتكاف
شهرين في المسجد الحرام - و صيامهما ، فان اجتهد فلم
يجر الله قضاها على يديه كتب الله له (ه) حجة - و
عمرة* .

٦- عن أبي علي الحرّاني ، قال ، قال : أبو عبد الله
عليه السلام من ذهب مع أخيه في حاجة - قضاها - اولم يقضها ،
كان كمن عبد الله عمره ، فقال له رجل اخرج مع أخى في
حاجة - و اقطع الطواف؟ (ف) قال : نعم .

٧- عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال قال مشى الرجل في
حاجة أخيه المسلم يكتب له عشر حسنات - ويمحى عنه
عشر سيئات ، و يرفع له عشر درجات (و) قال ولا اعلمه
إلا قال : و يعدل عشر رقاب ؛ و افضل من اعتكاف في المسجد
الحرام .

در آی و هر که را از کسانی که بتو در دنیا نکو می کردند یافتی
بازن خدا بیرون آر مگر اینکه ناصبی باشد .

۵- ابو عبد الله (ع) فرمود : هر که در کار برادر مسلمان
خویش بکوشد و در آن جهد کند و خدا انجام آنرا بدست وی
قرار دهد خداوند برایش يك حج و يك عمره و اعتكاف و
روزه دو ماه در مسجد حرام می نویسد و اگر بکوشد ولی
خدا نخواهد که بدست او انجام پذیرد خداوند برایش يك حج
و يك عمره می نویسد .

۶- ابو عبد الله (ع) فرمود : هر که همراه برادر خویش
برود خواه کارش را انجام دهد و خواه ندهد همچون کسی
خواهد بود که یک عمر خدا را پرستیده باشد مردی پرسید پی
حاجت برادر خود با وی بروم و طواف را هم قطع کنم ؟
فرمود آری .

۷- ابو عبد الله (ع) فرمود : برای کسی که پی کار برادر
مسلمان خویش می رود ده حسنه نوشته می شود و ده گناه از او
محو می گردد و ده درجه بالا برده می شود راوی گفت همینقدر
می دانم که امام تا بدینجا رساند که این کار با آزاد کردن ده
جوده برابر است و از اعتكاف در مسجد حرام برتر می باشد .

٨- عن معمر بن خلاد؛ قال: سمعت أبا الحسن (ع) يقول: انّ الله عباد (أ) في الارض يسعون في حوائج الناس هم الامنون يوم القيمة، و من ادخل على مؤمن سرور أفرّج الله قلبه يوم القيمة.

٩- علي بن الحكم - عن أصحابه، قال: قال أبو- عبدالله (عليه السلام) من مشى مع قوم حاجة- فلم يناصرهم، فقد خان الله - و رسوله .

١٠- عن صفوان الجمال، قال: كنت جالسا مع أبي عبدالله (عليه السلام) - إذ دخل عليه رجل من مكة يقال له ميمون، فشكى إليه تعدّر الكرى عليه، فقال: لى قم فأعن اخاك فقمتم معه - فيسر الله كراه فرجعت إلى مجلسي، فقال أبو- عبدالله ما صنعت حاجة اخيك؟ فقلت، فضاها الله (تعالى) بابي - و امي أنت؟ فقال: اما انك ان تعن اخاك المسلم احب إلى من طواف اسبوع بالبيت مبتدياً، ثم قال: ان رجلاً اتى الحسن بن علي (عليهما الصلوة والسلام) فقال (له) بابي أنت و امي، اعنني على قضاء حاجتي، فانتقل و قام معه فمرّ على الحسين (عليه السلام) و هو قائم يصلى فقال:

۸ - ابوالحسن (ع) فرمود: خداوند بندگان را دارد در روی زمین که در انجام کارهای مردم میکوشند و آنان در روز قیامت ایمن می باشند و هر که مؤمنی را خرسند سازد خداوند در روز قیامت او را خوشدل خواهد ساخت.

۹ - ابو عبدالله (ع) فرمود: هر که برای انجام کاری همراه مردم برود ولی خیرخواهی نکند با خدا و رسول خیانت کرده است.

۱۰ - صفوان جمال گوید نزد ابی عبدالله (ع) بودم مردی مکی میمون نام در آمد و از نداشتن کرایه شکایت نمود امام بمن فرمود برخیز و برادرت کمک کن پس بر خواستم و خداوند مشکل را آسان فرمود و کرایه او داده شد پس بمجلس باز گشتم امام بمن فرمود در باره کار برادرت چه کردی؟ گفتم خداوند آنرا انجام فرمود پدر و مادرم فدای تو باد، پس فرمود آگاه باش اگر تو برادر مسلمانان کمک کنی نزد من بهتر است از اینکه یکپفته در خانه خدا طواف نمایی آنگاه فرمود مردی نزد حسن بن علی (ع) آمد و گفت پدر و مادرم فدای تو مراد انجام کاری یاری ده پس امام موزه در پای کرد و با او رفت و بحسین (ع) گذشت در حالیکه ایستاده بود و نماز می گذارد پس بدانمرد فرمود کجا بودی و چرا از حسین (ع) حاجت نخواستی گفت پدر و مادرم فدای تو از او خواستم ولی گفته شد که وی

الين كنت عن أبي عبدالله - تستعينه على حاجتك ؟ قال :
قد فعلت بابي انت و امي - فذكر انه معتكف ، فقال: اما
انه لو اعانك كان خيرا له - من اعتكفه شهراً .

١١- و عنه - عن أحمد بن محمد - عن معمر بن خلاد ،
قال سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول : ان لله عبداً في الأرض
يسعون في حوائج الناس ، هم الآمنون يوم القيمة .

١٢- عن محمد بن عجلان ، قال : سمعت أبا عبدالله عليه السلام
يقول : قال الله عز وجل خلقني عيالي ، فأحبهم إلي أعناهم
يأمرهم ، و اقومهم بشأنهم ، و اسعاهم في حوائجهم ،

١٣- عن إسحق بن عمار - عن أبي عبدالله عليه السلام ،
قال : اذا مشى الرجل في حاجة أخيه المسلم فقضاها كان
كعدل حجة - و عمرة ، فان مشى فيها فلم تقض كانت
كعدل عمرة .

لا - باب ثواب اقالة الاخ اخاه

١ - عن أبي عبدالله عليه السلام ، قال : ايما مسلم اقال
مسلماً ندامة في بيع ، اقاله الله عشرته يوم القيمة .

معتکف است پس حسن (ع) فرمود اگر او ترا کمک میکرد
برایش از اعتکاف یکماه بهتر بود .

۱۱ - ابوالحسن (ع) فرمود : خدا را در روی زمین
بندگان است که بی کارهای مردم میروند و آنانند که در روز
قیامت ایمن میباشند.

۱۲ - ابو عبدالله (ع) فرمود: خداوند می گوید آفریدگان
من عیال من هستند و کسانی را بیشتر دوست دارم که بکارهای
آنها بیشتر پردازند و بهتر اصلاح کنند و در حاجتهای آنان
بیش بکوشند.

۱۳ - ابو عبدالله (ع) فرمود: اگر کسی بی کار برادر مؤمن
خویش برود و آنرا انجام کند برابر یکحج و یکعمره ثواب
خواهد داشت و اگر او بکوشد ولی نیانجامد ثواب یکعمره
خواهد داشت.

باب (۳۱) ثواب و اگر دادن معامله بدرخواست برادر

۱ - ابو عبدالله (ع) فرمود: اگر مسلمانی در خرید پشیمان
شود و از برادر مسلمان خود فسخ کردن آن معامله را بخواهد
و او هم بپذیرد خداوند از لغزشش در روز قیامت در میگذرد

ل ب - باب اختبار الاخوان

١ - عن أبي عبدالله (عليه السلام) ، قال : لا تستم ، الرجل صديقاً
وسمته معرفة حتى تخبره ، بثلك خصال : حتى تغضبه فتنظر غضبه
يخرجه من حق إلى باطل وتساغر معه ، و تخبره بالدينار
والدرهم .

ل ج - باب الثقة بالاخوان

١ - عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال : من كان الرهن عنده
اوثق من اخيه فالله منه بري .

ل د - باب صدق الاخاء

١ - عن السنكوني - عن أبي جعفر (عن أبيه) (عليه السلام)
قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ، إذا أحب أحدكم إخاء المسلم
فليسأله عن اسمه - و اسم أبيه - و قبيلته - و عشيرته ،
فأنه من حق الواجب - و صدق الاخاء ان يسأله عن ذلك ،
والآفهى معرفة حمقاء ،

باب (٣٢) آزمایش برادران

١- ابو عبدالله (ع) فرمود: کسی را دوست مشمار بلکه
آشنایش بنام مگر اینکه ویرا باسه خصلت بیازمائی که او را
بخشم بیآوری و بنگری آیا خشم او را از حق بیاطل می برد؟
و با او سفر کنی، و او را بادرهم و دینار بیازمائی.

باب (٣٣) اطمینان برادران

١- کسیکه بکرو بیشتر اعتماد کند تا برادر خداوند
از وی بیزار است.

باب (٣٤) صداقت در برادری

١- رسول خدا فرمود: اگر کسی برادر مسلمان خویش
را دوست بدارد از نام او و نام پدر و قبیله و عشیره او نباید
بیرسد زیرا اینگونه پرسش از حقوق واجب است و لازمه
صداقت در برادری است و اگر نه آشنائی احمقانه خواهد بود.

له - باب السعى فى حوائج الاخوان

بغير نية

١- عن علي بن الحكم - عن بعض أصحابنا - قال: قال أبو عبد الله عليه السلام من مشى مع قوم فى حاجة فلم يناصرهم ، فقد خان الله - ورسوله.

٢ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال : من سعى فى حاجة اخيه (بغير نية) فهو لا يبالي قضيت ام لم تقض فقد تبوأ مقعده من النار

لو - باب استئذال الاخوان

١- عن منصور الصيقل - والمعلّى بن خنيس ، قال : سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول : قال رسول الله صلى الله عليه وآله (قال الله) (تع) : انى لحرب لمن استئذل عبدى المؤمن (وانى اسرع إلى نصره اوليائى ، فما ترددت فى شيء أنا فاعله كتر ددى فى موت عبدى المؤمن) انى لأحب لقاءه - وهو يكره الموت

باب (۳۵) کوشش در کارهای برادران بی نیت

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: کسیکه با گروهی برای حاجتی همراه شود ولی صداقت بخرج ندهد با خدا و رسول خیانت کرده است .

۲- ابو عبدالله (ع) فرمود : هر که در کار برادر خویش بی نیت بکوشد و در بند انجام آن نباشد جایگاه او در آتش خواهد بود .

باب (۳۶) خوار ساختن برادران

۱- پیغمبر فرمود: که خدای فرماید من با کسیکه بنده مؤمن مرا خوار بدارد در جنگ می باشم و من در کمک بدوستان خود بیشترین شتاب را خواهم کرد و در هیچکاری و در هیچ چیزیکه ایجاد میکنم تردیدی بمن دست نمی دهد بمانند تردیدیکه در مردن بنده مؤمن من بر من عارض میشود من دیدار او را دوست دارم و او را از مرگ بد می آید و از آن ویرا منصرف

فأصرفه عنه وأنه ليدعوني فاجيبه، وأنه ليسألني فأعطيه، ولو لم يكن في الدنيا الا واحد من عبیدی مؤمن لاستغنيت به عن جميع خلقي (واجعلت له من ايمانه انساً لا يستوحش إلى احد) .

لز = باب من دهن اخاه

١- عن أبي عبد الله عليه السلام ، من دهن مسلماً كتب الله له بكل شعرة نوراً يوم (القيامة)

لح = باب حب الاخوان

١- عن (ال) تفضيل بن يسار - عن أبي عبد الله عليه السلام قال : من حب الرجل دينه حبه لاخوانه.

لط = باب الرقيعة في الاخوان

١- عن اسباط بن محمد رفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله ، قال اخبركم بالذي هو شر من الزنا ؟ وقع الرجل في عرض اخيه.

می سازم ولی او مرا میخواند و من هم اجابت میکنم و از من در خواست میکنند و بدو میبخشم و اگر هم در دنیا جز یک تن از بندگان مؤمن من نماند از همه آفریدگان دیگر خود بی نیاز خواهم بود و طوری میکنم که باتکاء ایمان خود هیچ نهراسد و بکسی پناه نبرد.

باب (۳۷) معطر کردن برادر

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: کسیکه از روی احترام مسلمانی را معطر کند خداوند روز قیامت برای او برابر هر موئی نوری می نویسد.

باب (۳۸) دوست داشتن برادران

۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: از جمله دینداری مرد دوستی او است با برادران خود.

باب (۳۹) دشنام به برادران

۱- پیغمبر فرمود: خبر دهم شما را بچیزیکه از زنا بدتر است؟! ریختن آبروی برادر.

٢- عن الرضا عليه السلام، قال : ان الرجل ليصدق على اخيه ، فينا له من صدقه عنت ، فيكون كذاباً عند الله ، و ان الرجل ليكذب على اخيه يريد (به) نفعه - فيكون عند الله صادقا.

م = باب الدعاء للاخوان

١- عن سليمان بن خالد ، قال : قال أبو عبد الله عليه السلام اربعة - لا ترد لهم دعوة ، الأمام العادل لرعيته ، والأخ لأخيه بظهر الغيب يو كسل به ملك يقول : ولك مثل ما دعوت لأخيك ، والوالد لولده ، (و) المظلوم يقول الرب تبارك ، و تعالى : و عزّتي : - و جلالى لأتصرن لك - ولو بعد حين.

٢- عن داود بن فرقة - عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال : ثلاثة تحت ظلّ عرش الله يوم القيمة رجل احب لأخيه ما يحب لنفسه - و رجل بلغه امر فلم يتقدم - ولم يتأخر - حتى يعلم ان ذلك الامر لله (فيه) رضا ، أو سخطاً ، و رجل لم يعب الناس بأمر حتى يتبين ان ذلك العيب ليس فيه ، (فانه) كل ما اصلح من نفسه عيباً بدأ منه آخر -

۲- امام رضا(ع) فرمود: مردیکه برادر خود راست
میگوید و از آن زبانی بدو میرسد نزد خدا راستگو بشمار
است.

باب (۴۰) دعا درباره برادران

۱- ابو عبدالله(ع): فرمود چهار کسند که دعای آنان
بر آورده است، پیشوای دادگری که در باره پیروان خود دعا
کند، و برادریکه در باره برادر خود در غیاب دعا نماید و
خداوند فرشته ای رامی گمارد که بگوید همان را که برای برادر
خواستی بتو نیز داده می شود دیگر پدر برای فرزند چهارم
دعای مظلوم که خداوند میگوید بشکوه و بزرگواری خود
سوگند میخورم که اگر چه زمانی هم بگذرد داد تو را
خواهم داد.

۲- ابو عبدالله(ع) فرمود: سه کسند که روز قیامت زیر
سایه عرش خدا می باشند، مردیکه برای برادر خویش هر آنچه
برای خود میخواهد بخواهد، و مردیکه امری بدو در رسد
و گامی پیش یا پس نگذارد تا اینکه بداند از آن خداوند
خوشنود است یا آنرا ناخوش میدارد، و مردیکه از مردم
هیچ عیب نگیرد مگر اینکه بداند خود عیب آنرا ندارد چه
تا عیبی از خود رفع کنند عیب دیگری در خویش خواهد داشت.

ما - باب ملاطفة الاخوان

- ١- عن زيد بن ارقم ، قال : قال رسول الله ﷺ ،
ما في امتي عبدالطف اخأ له في الله بشي ، من لطف الا
اخدمه الله من خدم الجنة
- ٢- عن ابي عبد الله عليه السلام ، وحدثني علي بن ابراهيم
عن ابيه - عن النوفلي عن السكوني عن ابي جعفر - عن ابيه
عليه السلام قال : من قال : لآخيه مرحباً كتب (الله) له مرحباً
إلى يوم القيامة.

هـ - باب كسوة الاخوان

- ١- عن ابي عبد الله عليه السلام ، قال : من كسى اخاه كسوة
او صيفه كان حتماً على الله ان يكسوه من ثياب الجنة ، و
ان يهون عليه من سكرات الموت ، و ان يوسع عليه في
قبره و (ان) يلقي الملائكة إذا خرج (من قبره) بالبشرى
و هو قول الله (نع) في كتابه تلقاهم (الملائكة) إلا تخافوا -
ولا تحزنوا ، و ابشروا بالجنة التي كنتم توعدون ، و من

باب (۴۱) مهر بانی به برادران

۱ - پیغمبر (ص) فرمود: هر کس از امتان من که در باره برادر دینی خویش مهر بورزد خداوند خدام بهشت را بخدمت او خواهد گماشت.

۲ - معصوم (ع) فرمود: کسیکه به برادر خود خوشباش گوید خداوند در باره او خواهد نوشت، خوش باش تا روز قیامت.

باب (۴۲) پوشاندن برادران

۱ - ابو عبدالله (ع) فرمود: کسیکه برادر خود پوشاک زمستانی یا تابستانی در پوشد بر خداوند است که از جامه های بهشتی بر او بیوشاند و سختی های مرگ را بر او آسان کند و کور ویرا گشاده سازد و فرشتگان را وادارد هنگام بیرون آمدن از گور بوی رسند و مزده دهند چنانکه خداوند فرمود فرشتگان به آنان در میرسند و می گویند مترسید و اندوهگین نباشید و بهمان بهشتیکه شما نوید داده اند بهره مند شوید.

أكرم اخاء يريد بذلك الأخلاق الحسنة ، كتب الله له من
 كسوة الجنة عدد ما في الدنيا (من) أولها إلى آخرها ،
 ولم يشبهه من أهل الريا (ء) و اشبهه من أهل الكرم ، قال
 رسول الله ﷺ من اشار على اخيه المسلم لعنته الملائكة
 حتى يشمه عنه ، يعنى يكمده .

مجم - باب من يجب اجتناب مؤاخاته

١- عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال : قال علي بن أبي طالب
عليه السلام : ينبغي للمسلم ان يجتنب مؤاخاة الكذاب ، انه
 يكذب حتى يجيء بالصدق فما يصدق .

٢- عن الفضل (بن) أبي قرّة - عن جعفر عن أبيه
عليه السلام ، قال : كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول على منبر الكوفة
 يا معشر المسلمين ليؤاخى المسلم المسلم ، ولا يؤاخين
 الفاجر ولا الأحمق - ولا الكذاب - فإن الفاجر (يزين
 لك فعله ، و يحدثك انك (تاتى) مثله ، ولا يعينك على امر
 دينك - ولادنياك (فمدخله عليك و مخرجه) (من عندك)
 (شين عليك) . و اما الاحمق ف(أنه) لا يطيع مرشداً -

هر که از روی خوشخوئی برادر خویش را گرامی دارد خداوند آنچه که در آغاز تا انجام در اینجهان است از بوششهای بهشتی برای وی خواهد نوشت و بریا کاران شبیه نبوده بلکه بکریمان ماند .

پیغمبر (ص) فرمود هر که برادر مسلمان خویش بیدی اشاره کند فرشتگان بر او لعنت میکنند تا اینکه غمگینش سازند.

باب (۴۳) کسانی که از برادری با آنها باید پرهیز کرد

۱- علی (ع) فرمود سزاوار است که مسلمان از برادری با دروغگو پرهیزد چه وی دروغ می گوید و اگر هم راست بگوید باورش نمیدارند .

۲- علی (ع) بالای منبر کوفه فرمود: ای گروه مسلمانان بایستی مسلمان با مسلمان برادری کند نه با بزه کار و بیخرد و دروغگو، چه بزه کار کردار خویش را بچشم تو میاراید و امیدارد که تو هم چنان کنی و در کار دین و دنیا بتو کمک نخواهد کرد پس آمد و رفت او با تو برای تو ننگ است و بیخرد از کسی پیروی نمیکند و نمیتواند بیدی را از تو دور سازد

ولا يستطيع صرف السوء عنك ، وربما اراد ان ينفعك
فيضرك ، بعده خير من قربه ، و سكوته خير من منطقه ،
و موته خير من حيواته . و اما الكذاب فانه لا ينفعك
(وجه عيس) سبب (لك) العدو و يشبث لك السخائم في
الصدور (و) يفشى سر ك (و) ينقل حديثك ، و ينقل احاديث
الناس بعضهم إلى بعض .

٣- عن سدير الصيرفي ، قال : قال أبو جعفر (عليه السلام) :
لاتصادق - ولاتواخ اربعة : الاحمق ، والبخيل ، و الجبان
والكذاب . اما الاحمق فانه يريد ان ينفعك فيضرك . و
اما البخيل فانه يأخذ منك - ولا يعطيك - و اما الجبان
فانه يهرب عنك (و عن والديه) و اما الكذاب فانه
يصدق ولا يصدق .

٤- نوار علي بن إبراهيم - عن أبيه - عن الحجال
عمن رواه - عن أبي عبد الله (عليه السلام) انه ذكر عنده رجل ،
فعيب ، فقال : (له) عن لك باخيك كله و اي الرجال
المهذب .

٥- عن جعفر الاحمر قال : قال أبو عبد الله (عليه السلام) :

و گاهی میخواهد بتو سودی رساند ولی ضرر میزند دوریش
برای تو از نزدیکی وی بهتر است و خاموشی وی از گفتارش
نیکوتر و مردن وی از زیستن برتر میباشد.

اما دروغگو زیست تو با او گوارا نخواهد بود و دشمنی
برایت بهم میرساند و کینه تورا در دلها جای میدهد و راز تو
را آشکار میسازد و گفتار تورا باز می گوید و سخنان مردم
را بمردم خواهد گفت.

۳- ابو جعفر (ع) فرمود: با چهار کس دوستی و برادری
نکن: بیخرد و بخیل و ترسو و دروغگو: اما بیخرد میخواهد
بتو سودی رساند ولی زیانش بتو خواهد رسید

اما بخیل از تو میستاند و بتو نمیدهد
اما ترسو از تو و پدر و مادر خویش میهراسد
اما دروغگو راست می گوید ولی باورش نمیدارند.

۴- از مردی نزد ابی عبد الله (ع) یاد کردند کسی از وی
عیب گرفت امام فرمود تو کجا و برادر کامل کجا و کدام مرد
است که از همه عیوب پاکیزه باشد.

۵- ابو عبد الله (ع) فرمود: از چه زیست میکنی (راوی)

أى شيء معاشك ، قال : قلت لى غلاماً (ن) و جملاً نقال:
اشتر بذلك من اخوانك ، فانهم ان لم ينفعوك لم يضروك
٦- عن عبدالله بن سنان قال : قال (لى) أبو عبدالله
عليه السلام : لا تثقن بأخيك كل الثقة ، فان سرعة الأسترسال
لن تستقال.

٧- عن أيوب بن منصور الصيقل - عن أبي عبدالله عليه السلام
ما (با) لكم يعادى بعضكم بعضاً ؟ إذا بلغ احدكم عن اخيه
شيء لا يعجبه فليقله و ليسئله فان قال لم افعله صدقه ، وان
(قال) قد فعلت استتابه.

٨- عن عبدالرحمن الحججاج - عن أبي عبدالله عليه السلام
قال : إذا بلغك عن اخيك شيء فقال ، لم اقل (ه) فاقبل منه ،
فإن ذلك توبة له.

٩- وعنه - عن الحسن بن على رفع الحديث إلى
أبي بصير ، قال : قال أبو عبدالله عليه السلام : إذا بلغك عن اخيك شيء
و شهد اربعون انهم سمعوه منه ، فقال لم اقل ، فاقبل منه.

گفت دو غلام دارم و دو شتر امام فرمود با برادران خود با آنها دادوستد کن چه اگر سودت ندهند زبانی بتو نخواهند رسانید.

۶- ابو عبدالله (ع) فرمود: برادر خود اینقدرها مطمئنان نکن چه اگر شتاب زدگی کنی بسختی دچار خواهی شد:

۷- ابو عبدالله (ع) فرمود: چرا با یکدیگر دشمنی میکنید اگر چیزی در باره برادر خود شنیدید بوی بگوئید و از وی بپرسید اگر گفت چنین کاری نکردم باور دارید و اگر تصدیق کرد توبه اش دهید.

۸- ابو عبدالله (ع) فرمود: اگر از برادرت چیزی بتو گفتند و او انکار کرد از وی بپندیر چه همین انکار توبه وی است.

۹- ابو عبدالله (ع) فرمود: از برادرت چیزی بتو گفتند و چهل گواه هم گفته باشند که از وی شنیده ایم ولی او بگوید که نگفتم از وی بپندیر.

١٠- عن علي بن عقبة - عن بعض اصحابنا - عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال : لا تبذل لآخيك من نفسك ما ضرره عليك اكثر من منفعتة له.

١١- عن (أبي) الجارود - عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال :
يأتى على الناس زمان ليس فيه شيء اعزّ من اخ (انيس)
او كسب درهم من حلال.

تمّ كتاب مصادقة الاخوان للشيخ (الاجلّ) (الافقه
الصدوق) (رئيس المحدثين) أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين
بن بابويه (القمي) رحمهم الله تعالى (ه) (حرره الفقير
الحقير العاصي المحتاج إلى رحمة ربّه محمود بن..

... محمد تقى بن روزبهان الشيرازى في مشهد المقدّس
الرضوى على ساكنه الصلوة والسلام في ثانى جميدى الاولى من
شهور سنة تسع وستين بعد الألف من نسخة - سقيمة
صحّحناها في اثناء الكتابة بقدر الوسع والطاقة.

- ۱۰- ابو عبدالله (ع) فرمود: از خودت در باره برادرت آن اندازه بخشش مکن که زیان تو بیشتر از سود او باشد.
- ۱۱- ابو عبدالله (ع) فرمود: روزگاری برای مردم خواهد آمد که چیزی نایاب تر از برادر همدم و اندوختن یکدرهم حلال نباشد.



فهرست الكتاب

صفحة	عنوان
٢	١- باب اصناف الاخوان
٤	٢- باب حدود الاخوة
٤	٣- باب الشفقة على الاخوان
٦	٤- باب اتخاذ الاخوان
٦	٥- باب اجتماع الاخوان في محادثتهم
١٠	٦- باب مواساة الاخوان بعضهم لبعض
١٦	٧- باب حقوق الاخوان بعضهم على بعض
٢٢	٨- باب الاخ مرآة أخيه
٢٢	٩- باب اطعام الاخوان
٢٦	١٠- باب تلقيم الاخوان
٢٦	١١- باب منفعة الاخوان
٢٨	١٢- باب استفادة الاخوان
٢٨	١٣- باب المؤمن اخ المؤمن
٣٠	١٤- باب افادة الاخوان بعضهم بعضاً
٣٠	١٥- باب هجر الاخوان

صفحة	عنوان
٣٢	١٦- باب استيحاش الاخوان بعضهم من بعض
٣٢	١٧- باب محبة الاخوان
٣٦	١٨- باب ثواب التبسم في وجوه الاخوان
٣٨	١٩- باب ثواب قضاء حوائج الاخوان
٤٢	٢٠- باب النهي عن سؤال اخوان الحوائج
٤٢	٢١- باب زيارة الاخوان
٤٦	٢٢- باب العناية باخوان
٤٦	٢٣- باب مصافحة الاخوان
٤٨	٢٤- باب ادخال سرور على المؤمن
٥٢	٢٥- باب البخل على الاخوان
٥٤	٢٦- باب الشكوى الى الاخوان
٥٤	٢٧- باب ثواب من فرح اخاه
٥٦	٢٨- باب لقاء الاخوان بما يسوءهم
٥٦	٢٩- باب بر الاخوان
٦٠	٣٠- باب السعى في حوائج الاخوان
٦٦	٣١- باب ثواب اقالة الاخ اخاً له
٦٨	٣٢- باب اختبار الاخوان

صفحة	عنوان
٦٨	٣٣- باب الثقة الاخوان
٦٨	٣٤- باب صدق الاخاء
٧٠	٣٥- باب السعى في حوائج الاخوان بغير نية
٧٠	٣٦- باب استذلال الاخوان
٧٢	٣٧- باب من دهن اخاه
٧٢	٣٨- باب حب الاخوان
٧٢	٣٩- باب الوقعة في الاخوان
٧٤	٤٠- باب الدعاء للاخوان
٧٦	٤١- باب ملاطفة الاخوان
٧٦	٤٢- باب كسوة الاخوان
٧٨	٤٣- باب من يجب اجتناب مؤاخاته





Library of



Princeton University.

Princeton University Library



32101 075777654